

رفت و خطبه و سکه به نام مراد کرد، اما چون شنید که مراد با اوسری دوستی ندارد و امرای ترکمان در قراجه داغ به او پیوسته‌اند (قزوینی، ۳۷۴) لشکر آراست و بر او تاخت. آیه سلطان در این نبرد پیروز شد و مراد را در بند کرد و مادر او را به زنی گرفت. سپس الوند میرزا پسر یوسف بیک را از دیار بکر طلب کرد و در تبریز بر تخت نشاند. آنگاه برای مقابله با محمدی پادشاه آق قویونلو که به عراق ایران تاخته بود به ری رفت. چون محمدی پادشاه گریخت، آیه سلطان برادر خود گوزل احمد را با بسیاری از ترکمانان در ورامین نشاند و خود جهت اقامت زمستانی به قم رفت، اما اندکی بعد که شنید محمدی پادشاه برادر او را در ورامین به سختی سرکوب کرده است عزم تبریز کرد تا برای مقابله با مدعی جدید تاج و تخت آماده شود. محمدی پادشاه در راه بر او تاخت، در این جنگ محمدی پادشاه پیروز شد و آیه سلطان به قتل رسید (همو، ۳۷۵؛ جهانگشای خاقان، ۷۹ - ۸۱). روایت خواندمیر (۴۴۴/۴) در باب سالهای پایانی عمر آیه سلطان با روایت پیشین متناقض است. خواندمیر از جنگ میان مراد و آیه سلطان و بر تخت نشستن الوند میرزا سخنی به میان نمی‌آورد و بر آن است که آیه سلطان به همراهی مراد بر محمدی پادشاه تاخت و به قم رفت (نک: آق قویونلو).

مأخذ: اسکندریک ترکمان، عالم آرای عباسی، تهران، ۱۳۵۰، ش: ۲۱/۱ - ۲۴؛ جهانگشای خاقان، به کوشش الله دنا مضطر، اسلام آباد، ۱۳۶۲، ش: فهرست؛ خواندمیر، غیبات الدین، حبیب‌التیر، تهران، ۱۳۶۲، ش: روملو، حسن بیک، احسن التواریخ، به کوشش عبدالعزیز نوایی، تهران، ۱۳۴۹، ش: عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، ۱۳۵۰، ش: قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، تهران، ۱۳۶۳، ش: قمی، قاضی احمد، خلاصة التواریخ، به کوشش احسان اشراقی، تهران، ۱۳۵۹، ش: ۴۱/۱ - ۴۲؛ نیز نک: مأخذ «آق قویونلو».

آیت الله، یا آیه الله (= نشانه خداوند)، عنوانی عام برای فقها و مراجع طراز اول و دوم شیعه از اوایل سده ۱۴ ق/ ۲۰ م. در ادوار پیشین تاریخ اسلامی، برای فقها در کنار القاب و عناوین خاص مانند مفید، صدوق و شیخ الطائفة، یک سلسله القاب عام نیز مانند شیخ الاسلام، ملا و آخوند به کار رفته است. برخی القاب مانند ثقة الاسلام، حجة الاسلام، محقق، علامه و نیز آیت الله نخست به قصد تعظیم در موارد خاص به کار رفته و بعدها لقبی برای فردی معین شده و سپس بیش و کم به صورت عنوانی عام گردیده است. در سده ۴ ق/ ۱۰ م عنوان ثقة الاسلام برای محمد بن یعقوب کلینی (ه م)، در سده ۵ ق/ ۱۱ م عنوان حجة الاسلام برای امام محمد غزالی (ه م)، در سده ۷ ق/ ۱۳ م عنوان محقق برای جعفر بن حسن حلی (ه م)، و در سده ۸ ق/ ۱۴ م عناوین علامه و آیه الله برای حسن بن یوسف حلی (ه م) به کار رفت؛ و همه آنها تا قرنهای پس از کاربرد نخستین، مختص به صاحبان اولیه آنها باقی ماند.

در سده ۱۴ ق/ ۲۰ م کاربرد برخی از این عنوانها برای گروهی از فقها تکرار شد و رفته رفته گسترش بیش‌تری یافت. اکنون عناوین ثقة

الاسلام، حجة الاسلام و آیه الله کاربرد گسترده‌ای یافته و هر یک نشان دهنده سطح معینی از دانش فقهی است.

چنانکه گفته شد، نخستین کس که عنوان آیت الله یافت، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، معروف به علامه حلی بود. ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲ ق/ ۱۴۴۸ م) او را آیه فی الذکاء خوانده است (۳۱۷/۲) و شاید به همین مناسبت، و نیز به علت دانش عمیق و تقوای کم مانندش، لقب آیت الله به او داده شده باشد. شرف‌الدین شولستانی، شیخ بهاء‌الدین عاملی و ملا محمد باقر مجلسی، در اجازه نامه‌هایی که برای شاگردان خود نوشته‌اند، از علامه حلی به عنوان آیت الله فی العالمین یاد کرده‌اند (مجلسی، ۲۰۴/۱ - ۸۱/۱۰۷). ملا محمد باقر مجلسی در ذکر مشایخ روایت خویش، همین عنوان را برای شمس‌الدین محمد بن مکی نیز به کار برده است. پس از این تا سده ۱۴ ق/ ۲۰ م عنوان آیت الله بر هیچ‌یک از فقها اطلاق نشد. در اوایل این سده، نخست حاج میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق/ ۱۸۳۸ - ۱۹۰۲ م) این عنوان را برای سید محمد مهدی بحر العلوم، و چند دهه دیرتر شیخ عباس قمی همان را برای شیخ مرتضی انصاری، شیخ حسین نجف و سید محمد حسن شیرازی (۳۹۷/۲، ۲۲۲/۳) و رفته رفته مورخین عصر مشروطه برای آخوند ملاکاظم خراسانی، حاج میرزا حسین میرزا خلیل، شیخ عبدالله مازندرانی و دیگران به کار بردند (نراقی، ۴۶ - ۴۷؛ ناظم الاسلام، ۸۸؛ کسروی، ۳۷۱/۲). پیش از آن، همه آن مراجع در مراسلات و مخاطبات، حجت الاسلام خوانده می‌شدند. پس از تشکیل حوزه علمیه قم توسط مرحوم شیخ عبدالکریم حائری و مرکزیت یافتن آن (۱۳۴۰ ق/ ۱۹۲۲ م) شماری از فقهای بزرگ که در آن گرد آمدند، آیت الله لقب یافتند و به تدریج، معدودی از برجسته‌ترین فقهای که در مقام مرجعیت قرار می‌گرفتند، آیت الله العظمی نامیده شدند.

مأخذ: آقا بزرگ، الذریعة، ۲۴۲/۲، ۱۳۲/۱۳؛ همو، هدیة الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، تهران، ۱۴۰۳، ق: جم: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، ۱۳۹۰، ق: اقتدی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی و محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۱، ق: ۳۵۹/۱، امین، احیان الشیعة، بیروت، ۱۴۰۳، ق: ۳۹۶/۵؛ تیموری، ابراهیم، تحریر تنباکو، تهران، ۱۳۶۱، ش: صص ۵۳، ۱۰۳؛ قمی، عباس، الکنی والقباب، تهران، ۱۳۹۷، ق: کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، ۱۳۵۶، ش: لغت نامه دهخدا؛ مثنی، جلال، «بعضی درباره سابقه تاریخی القاب و عناوین علما در مذهب شیعه» ایران نامه، ش ۱، شه ۴، تابستان ۱۳۶۲، ش: جم: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳، ق: ۵۸، ۳۵/۱، ۳۲۳/۵۱، ناظم الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، ۱۳۶۲، ش: نراقی، حسن، کاشان در جنبش مشروطه ایران، تهران، ۱۳۵۵، ش: نوری، حسین، مستدرک الوسایل، تهران، ۱۳۸۲، ق.

آیتنی، عبدالحسین بافقی یزدی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۲ ق/ ۱۸۷۱ - ۱۹۵۳ م)، ادیب و شاعر و نویسنده ایرانی. در تفت از توابع یزد در خانواده‌ای روحانی زاده شد. پدرش، شیخ محمد، معروف به حاج آخوند تفتی از ائمه جماعت و واعظان فاضل یزد و در زادگاه خویش